

پیشنهاد استوکس چه بود؟

۷ دی ۱۴۰۳ ساعت ۲۱:۱۱

پیشنهاد استوکس دومین پیشنهاد انگلستان و آمریکا در خصوص صنعت نفت ایران بود. قبل از این پیشنهاد، پیشنهاد جکسون مطرح شده بود که ایران آن را رد کرد؛ زیرا این پیشنهاد کنترل زیادی به انگلیس در اداره شرکت نفت می داد. بعد از رد پیشنهاد جکسون، پیشنهاد استوکس که به نام مشاور انگلیسی ریچارد استوکس نامگذاری شده بود، با هدف مذاکره بر سر یک توافق جدید مطرح شد.

وقتی مصدق، موضوع ملی شدن نفت را مطرح کرد، انگلیس تلاش کرد تا از هر وسیله‌ای استفاده کند تا مانع از تحقق این موضوع شود. انگلیس در راستای این هدف، ابتدا از در مسالمت‌آمیز وارد شد تا وجهه سیاسی خود را حفظ کند. روش انگلیس در اتخاذ ابزارهای مسالمت‌آمیز، طرح چندین پیشنهاد بود. یکی از این پیشنهادها، پیشنهاد استوکس بود. این پیشنهاد در ابتدا با نظر مساعد دکتر مصدق همراه بود؛ اما کمی بعد مواضع دکتر مصدق نیز تغییر کرد و پیشنهاد رد شد.

پیشنهاد استوکس و مفاد آن

پیشنهاد استوکس دومین پیشنهاد انگلستان و آمریکا در خصوص صنعت نفت ایران بود. قبل از این پیشنهاد، پیشنهاد جکسون مطرح شده بود که ایران آن را رد کرد؛ زیرا این پیشنهاد کنترل زیادی به انگلیس در اداره شرکت نفت می داد. بعد از رد پیشنهاد جکسون، پیشنهاد استوکس که به نام مشاور انگلیسی ریچارد استوکس نامگذاری شده بود، با هدف مذاکره بر سر یک توافق جدید مطرح شد. بر این اساس هیأت انگلیسی به سرپرستی استوکس برای بررسی پیشنهادات وارد تهران شد و پیشنهاد خود را مطرح کرد.

استوکس برخلاف پیشنهاد قبلی، ظاهراً این بار با دست پر به ایران آمده بود. او یک طرح ۸ ماده‌ای را پیشنهاد کرد تا سرنوشت تمام جزئیات مربوط به موضوع نفت را روشن کند. این پیشنهادات عبارت بودند از:

- ۱- انتقال دارایی: شرکت نفت انگلیس و ایران برای جبران اموال، تجهیزات را به شرکت ملی نفت انگلیس و ایران منتقل کند.
- ۲- تشکیل سازمان خرید: یک سازمان جدید صادرات نفت ایران را مدیریت خواهد کرد.
- ۳- معاملات اضافی: اگر ایران با سازمان خرید مخالفت و تضادی نداشته باشد، می‌تواند نفت بیشتری بفروشد.
- ۴- حمل و نقل و توزیع: سازمان حمل و نقل، توزیع و فروش نفت را برای ایران انجام خواهد داد.
- ۵- قیمت و تخفیف نفت: نفت با قیمت‌های تجاری خریداری می‌شود و شرکت ملی نفت می‌تواند تخفیف‌هایی ارائه دهد.

۶- توافقنامه خرید تفصیلی: در این رابطه قراردادی بین ایران و سازمان خرید منعقد خواهد شد.

۷- انتقال اموال: دارایی‌های شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران با شرایط مساعد به دولت ایران می‌رسد.

۸- نمایندگی و کمک خارجی: هیئت مدیره نمایندگان مختلفی خواهد داشت که رئیس آن انگلیسی است. در صورت نیاز می‌توان کمک‌های خارجی به ایران داد. [۱]

بعد از طرح اصول فوق و با وجود برخی چالش‌ها در جریان مذاکرات، بحث‌ها ادامه یافت. این پیشنهادها با هدف حل مناقشه بر سر صنعت نفت ایران و ایجاد یک توافق جدید بین طرفین درگیر بود. پیشنهاد استوکس از جمله پیشنهادهایی بود که هر دو طرف نسبت به توافق آن امیدوار بودند. حتی شایعاتی وجود داشت مبنی بر اینکه این پیشنهاد قبل از ورود استوکس به ایران، توسط تیم ایرانی مورد تحلیل و موافقت قرار گرفته بود. چنانچه حسن پاکروان از مقامات مسئول حکومت پهلوی گزارشی از اریک، مدیر شرکت دریک در دست داشت که ظاهراً برای سدان فرستاده شده بود، طبق این گزارش تلگرافی، دریک با احمد متین دفتری داماد مصدق ملاقات کرده و او قول داده است با پیشنهاد هیئت اعزامی انگلیس به ریاست استوکس به شرط اینکه ه به نوعی ملی شدن نفت در آن گنجانیده شده باشد، موافقت کند. جالب این است که بدانیم هیئت استوکس مدت‌ها بعد از کشف به اصطلاح اسناد خانه سدان یعنی روز دوازدهم مرداد ماه ۱۳۳۰ به ایران آمد، حال آنکه اسناد ادعائی مزبور حدود دو ماه پیش کشف شده بودند. [۲] موضوعی که حکایت از جعلی بودن اسناد داشت.

سرانجام پیشنهاد استوکس

پیشنهاد استوکس همانطور که در ابتدا نیز گفتیم با نظر موافقان طرح ملی شدن از جمله دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی مواجه شد. البته دکتر مصدق در ابتدا دیدگاه مثبتی نسبت به این پیشنهاد داشت زیرا استوکس در ارائه پیشنهاد خود، بر اموری چون ارتقای رفاه مردم ایران و حفظ یک دولت قوی و مستقل برای مبارزه با تهدید کمونیسم تاکید داشت. البته اتخاذ این مواضع از سوی دکتر مصدق مخالفت طیف گسترده‌ای از افراد و گروه‌های سیاسی را به دنبال داشت. در میان گروه‌های سیاسی، حزب توده از جمله گروه‌های مخالف بود. در این رابطه آمده است: ورود نماینده انگلیس (استوکس) و مذاکرات همزمان دولت ایران با هریمن و استوکس و جنجال‌های مطبوعاتی و سیاسی آن در خلال تیر تا شهریور ۱۳۳۰ و در نهایت شکست مذاکرات مزبور، در مطبوعات توده‌ای و درباری تا به زیر سؤال بردن اصل ملی شدن نفت در شرایط ناکامی مذاکرات، کشیده شد و افکار عمومی به سوی یأس و ناامیدی سوق داده می‌گشت. در برابر این مطبوعات، با استناد به یکی از سخنان دکتر مصدق، مطبوعات هوادار دولت به ویژه باختر امروز و شاهد، به اقلیت مخالف مجلس لقب «یتیمچه‌های استوکس» دادند و همواره در مناسبت‌های گوناگون این بر چسب را به کار می‌بردند. [۳]

البته شایان ذکر است که مخالفت حزب توده با مواضع ددکتر مصدق، نه به خاطر حفظ منافع ملی کشور بلکه تحقق اهداف سیاسی این گروه بود. با این حال مخالفت‌های مردمی به تدریج مذاکرات را با چالش‌هایی مواجه کرد، زیرا استوکس از سوی دولتش مجاز به رسیدگی به برخی مسائل نبود. این باعث نگرانی دکتر مصدق را به دنبال داشت نگرانی دکتر مصدق از آن جهت بود که تصور می‌کرد ممکن است دولت دیگری برای مذاکره درباره قرارداد جدید نفت وارد شود و دولت جدید پیشنهادهای استوکس را تغییر دهد و یا با آن مخالفت کند. اما در اصل آنچه که باعث شکست پیشنهاد استوکس بود فراتر از این نگرانی‌ها بود. در واقع

آنچه که به شکست پیشنهاد استوکس منجر به شد، به مفاد و اصول طرح مربوط بود. بر این اساس، ایران با ایده فروش انحصاری نفت به انگلیس، حفظ کارمندان انگلیسی و انتصاب یک مدیر عامل انگلیسی و ارائه تخفیف ۵۰ درصدی بر قیمت نفت مخالفت داشت. ایران همچنین الزام بریتانیا به پرداخت خسارت برای فسخ قرارداد و نقش سازمان خریدار را غیرقابل قبول دانست. طرف ایرانی معتقد بود این شرایط کنترل ایران بر صنعت نفت خود از جمله اکتشاف و فروش را تضعیف می‌کند. در نهایت در کنار موارد فوق، اصرار بر انتصاب مدیرعامل انگلیسی و سایر شرایطی که حاکمیت ایران بر منابع نفتی خود را نادیده می‌گرفت، در نهایت شکست مذاکرات را به دنبال داشت. البته مخالفت‌های آیت‌الله کاشانی نیز در رد این پیشنهاد بی‌تاثیر نبود. در شرایطی که دکتر مصدق به این پیشنهاد امیدوار بود، آیت‌الله کاشانی با سوظن و بدبینی به آن می‌نگریست و همین موضوع حتی باعث ایجاد تنش و اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق نیز شد. اما در نهایت دکتر مصدق نیز به اهداف استعماری انگلیس در این طرح پی برد و رسماً با آن مخالفت کرد.

سخن نهایی

با طرح پیشنهاد استوکس، مصدق و برخی از حامیان او به این نتیجه رسیدند که این طرح به نفع هر دو طرف است. حتی سال‌ها بعد، بسیاری از تحلیلگران در تحلیل این پیشنهاد بر این اصل تاکید کردند که موافقت ایران با پیشنهاد استوکس می‌توانست به نفع ایران تمام شود. اما در سوی دیگر قضیه بسیاری از تحلیلگران، اقدام ایران را بسیار عاقلانه دانسته و معتقد بودند که این پیشنهاد در صورت پذیرش از سوی ایران، به منزله پذیرش قراردادی استعماری در شکل و شمایلی جدید بود. هر چند در نهایت کودتای ۲۸ مرداد نیز باعث شد تا سرانجام، وضعیت نفت مطابق با اراده و خواست استعمارگران شکل بگیرد؛ اما در مقابل کمک کرد تا مردم چهره واقعی حکومت شاه را بهتر بشناسند و برای تحقق آرمان‌های خود دست به مبارزاتی بزنند که نتیجه آن در انقلاب ۱۳۵۷ نمایان شد.

[۱] - علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۸۴، صص ۲۰۲-۲۰۳

[۲] - حسین آبادیان، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹

[۳] - جمعی از نویسندگان، نشست تخصصی بررسی نقش مطبوعات در بستر سازی کودتای ۲۸ مرداد، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۹۹

